

## بررسی تاثیر هوش هیجانی بر کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع ابتدایی

علی صابدل نوق

کارشناس آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان تربیت مدرس، ایران

Sahebdel@gmail.com

### چکیده

هوش هیجانی مجموعه‌ای از توانایی‌ها و خصوصیات فردی است که کیفیت زندگی افراد را تعیین می‌کند. با توجه به اهمیت هوش هیجانی به عنوان یکی از عوامل که رفتار فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهد و از آنجا که تغییر و تحول در نظام آموزش و پرورش کشور ضرورتی انکار ناپذیر است. دانش آموزان به عنوان گروهی که قرار است این تغییرات به کمک آنها انجام شود سهم مهمی در موفقیت یا عدم توفیق برنامه‌ها دارند. به یقین آگاهی متولیان آموزش و پرورش از تفاوت‌های شخصیتی دانش آموزان می‌تواند در مدیریت تحولات موثر باشد. هدف مطالعه‌ی حاضر بررسی تاثیر هوش هیجانی بر کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان رشتخوار می‌باشد. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دانش آموزان پسر مقطع ابتدایی پایه سوم تا ششم شهرستان رشتخوار در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ می‌باشد. که طبق آمار اخذ شده از آموزش و پرورش شهرستان تعداد کل دانش آموزان برابر با ۶۵۰۰ نفر بود که از میان آنها به روش غیر تصادفی و در دسترس تعداد ۱۴۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. که بعد از توجه در مورد پژوهش در این مرحله تمامی آنان رضایت کامل خود را جهت پاسخ به پرسشنامه‌ها اعلام کردند، در آخر هم با جمع آوری پرسشنامه و حذف پرسشنامه‌های ناقص و مخدوش و هم چنین حذف داده‌های پرت، حجم نمونه آماری ۱۳۵ نفر تعیین گردید. برای تحلیل داده‌های پژوهش از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و...) و آمار استنباطی (انحراف معیار، آزمون t مستقل، ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون) استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که بین هوش هیجانی و کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه مثبت معناداری وجود دارد. هوش هیجانی هم چنین از راه ویژگی‌های ادراک هیجانی، شناخت هیجانات، مدیریت هیجان‌ها و باسازوکارهای پیش‌گیری، افزایش توان کنترل، تقویت راهبرد رویارویی کارآمد به افراد کمک می‌کند تا کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی آنان را بهتر سازد.

کلیدواژه‌ها: هوش هیجانی، کیفیت زندگی، پیشرفت تحصیلی، شهرستان رشتخوار، دانش آموزان

## مقدمه

توان مندی‌ها و شایستگی‌های اجتماعی و هیجانی از عوامل تعیین کننده تاثیر گذاری بر کیفیت روابط اجتماعی به شمار می‌آید (آیزن برگ، تایز، گادری، ریزی، فلومن) برنامه‌های مداخله‌ای مدارس بر شایستگی‌های هیجانی تاکید می‌کند. مانند برنامه‌ی ارتقای راه بردهای تفکر نشان می‌دهد. که آموزش مهارت‌های هیجانی بر سلسله‌ی اجتماعی موثر است (کاش، گوین برگ ۲۰۰ کوک) خاستگاه نظری این دسته از پژوهش‌های هوشی هیجانی است که به وسیله‌ی سالووی و موم (۱۹۹۰) پیشنهاد شد. هوش هیجانی عبارت است از ظرفیت ادراک ابراز شناخت کاربرد را دارهی هیجانی‌ها در خود و دیگران. پژوهش‌های انجام شده در زمینه رابطه‌ی هوش هیجانی با مولفه کیفیت زندگی اجتماعی نشان داده است که این سازه با کیفیت و سلامت (روانی دلین ۱۹۸۷) شناسایی محتوا هیجان و توان هم دلی یا دیگران سازش هیجانی و اجتماعی بهزیستی هیجانی و رضایت از زندگی هم بستگی مثبت و با آشفستگی روان شناختی افسردگی و مصرف سیگار و الکل و اختلال روان شناختی همبستگی منفی دارد.

هوش هیجانی شامل مجموعه‌ای از مهارت‌های به هم پیوسته برای ادراک دقیق، ارزیابی و ابراز هیجان‌ها، دسترسی یا ایجاد احساسات به منظور تسهیل تفکر، توانایی فهم هیجان‌ها و دانش هیجانی و توانایی تنظیم هیجان‌ها به منظور رشد هیجانی و عقلانی است. این سازه شناختی دارای چهار مؤلفه ارزیابی و ابراز هیجان خویشتن، ارزیابی و شناسایی هیجان دیگران، تنظیم یا نظم بخشی هیجان در خویشتن و استفاده از هیجان برای تسهیل عملکرد است (مایر و سالوی ۱۹۹۷). هوش هیجانی به توانایی شناسایی و تشخیص مفاهیم و معانی هیجان‌ها، روابط بین آنها، استدلال کردن و حل مسأله اشاره دارد (مایر و سالوی ۲۰۰۰). افراد با هوش هیجانی بالا در مواجهه با وقایع استرس آمیز از توان مقابله مؤثرتر برخوردارند، زیرا هیجان‌ها خود را دقیق تر درک و ارزیابی می‌کنند؛ می‌دانند چه موقع و به چه نحوی احساساتشان را بروز دهند و بطور مؤثری خلقی حالات خود را تنظیم نمایند (مایر و سالوی ۲۰۰۲).

امروزه، مفهوم هوش هیجانی در سازمانها و توسعه نیروی انسانی به کار گرفته می‌شود تا بر مهارت‌های مهمی که در محیط کار، غیر از قابلیت‌های تخصصی مربوط به شغل لازم است، تأکید کنند (سالوی و مایر ۲۰۰۲). هوش هیجانی با شناخت فرد از خود و دیگران، ارتباط با دیگران، سازگاری و انطباق با محیط پیرامون که برای موفق شدن در برآوردن خواست‌های اجتماعی لازم است ارتباط دارد و یک توانمندی تاکتیکی در عملکرد فردی محسوب می‌شود؛ در حالی که هوش شناختی، دارای قابلیت استراتژیک و درازمدت است. هوش هیجانی پیش بینی موفقیت را ممکن می‌سازد، زیرا نشان می‌دهد که چگونه فرد بلافاصله دانش خود را در موقعیتهای مختلف به کار می‌گیرد. به عبارت دیگر هوش هیجانی به تفاوت‌های افراد در ادراک، پردازش، تنظیم و به کارگیری اطلاعات هیجانی اشاره دارد (مایر و سالوی ۲۰۰۸).

هوش هیجانی شامل مجموعه‌ای از عناصر درونی (میزان خودآگاهی، خودآنگاره، احساس استقلال و ظرفیت، خودشکوفایی و قاطعیت) و بیرونی (روابط بین فردی، سهولت در همدلی و احساس مسؤلیت) است و به ظرفیت فرد برای قبول واقعیات، انعطاف پذیری، توانایی حل مشکلات هیجانی، توانایی حل مسأله و مقابله با رویدادهای استرس زا اشاره دارد. پژوهش‌های بسیاری نشان می‌دهند که هوش هیجانی با متغیرهای مهمی هم چون سلامت روان و خودکارآمدی رابطه دارد. (گلمن ۱۹۹۵)

هوش هیجانی با توانایی درک خود و دیگران (خودشناسی و دیگرشناسی) ارتباط با مردم و سازگاری فرد با محیط پیرامون خویش پیوند دارد. به عبارت دیگر هوش غیر شناختی پیش بین موفقیت‌های پیرامون خویش پیوند دارد به عبارت دیگر هوش غیر شناختی پیش بینی موفقیت‌های فرد را میسر می‌کند و سنجش و اندازه‌گیری آن به منزله اندازه‌گیری و سنجش و توانایی‌های شخص برای سازگاری با شرایط زندگی و ادامه حیات در جهان است. (بار - آن، ۱۹۹۷، ۲۸)

«بارون» هوش هیجانی را توانایی‌های یک شخص در مواجهه با چالش‌های محیطی می‌داند که موفقیت‌های فرد را در زندگی پیش بینی می‌کند. (وٹوقی کیا، ۱۳۸۳)

توانایی مهار عواطف و تعادل برقرار کردن بین احساسات و منطق به طوری که ما را به حداکثر خوشبختی برساند. (هین، ۱۳۸۴). گفته می‌شود که هوش هیجانی « چیزی در درون هر یک از ماست که تاحدی نامحسوس است. هوش هیجانی تعیین می‌کند، چگونه رفتار خود را اداره کنیم، چگونه با مشکلات اجتماعی کنار بیاییم و چگونه تصمیماتی بگیریم که به نتایج مثبت ختم شوند (برادبری و گریوزف ۱۳۸۶).

به اعتقاد دانیل گلمن هوش هیجانی مهارتی است که دارنده آن می‌تواند از طریق خودآگاهی، روحیات خود را کنترل کند، از طریق خود مدیریت آن را بهبود بخشد، از طریق همدلی، تأثیر آنها را درک کند و از طریق مدیریت روابط، به شیوه‌ای رفتار کند که روحیه خود و دیگران را بالا ببرد. (دوستار، ۱۳۸۲).

کیفیت زندگی یکی از مهمترین مولفه‌های مفهوم کلی بهداشت محسوب می‌شود به گونه‌ای که امروزه برای تعیین نیازهای حیطه سلامت و ارتقای سطح سلامتی افراد کیفیت زندگی آنها مورد بررسی قرار می‌دهند. در دهه اخیر ارزیابی و سنجش کیفیت زندگی افراد در حیطه‌های مختلف از جمله خدمات پزشکی، خدمات روانی اجتماعی، خدمات آموزشی و کاردرمانگران متداول شده است. آگاهی از اهمیت ارزیابی و سنجش کیفیت زندگی افراد در بافت‌ها و حیطه‌های گوناگون، خبر از تغییر جهتی می‌دهد که مسیر آن از رهیافت صرفاً پزشکی به رهیافت نوین تر در زیستی-روانی-اجتماعی است (سلطانی شال و همکاران، ۱۳۹۰). تصور هر فضای فرهنگی از کیفیت زندگی در دانشگاه، تصور ویژه‌ای است که مدیران باید در جهت شناخت آن تلاش کنند. زمانی که از امور مربوط به دانش آموزان صحبت می‌شود، لازم است ابعاد گوناگون و پیچیده‌ای که نیازها و تمایلات فردی، گروهی را به وجود می‌آورد و تفاوت‌های فردی و گروهی در تعبیر از شرایط کار با کیفیت، مورد توجه قرار گیرد و انسان‌ها با تمام ابعاد وجودشان در رابطه با کار و زندگی اجتماعی مورد مطالعه قرار گیرند. نگاه به انسان به عنوان یک سیستم یا جزیی از یک سیستم کاری، تصور را به وجود آورد که می‌توان انسان را مانند یک سیستم مکانیکی مورد مطالعه قرار داد؛ در واقع شناخت ابعاد ناملموس انسان است که نگهداری او را دشوار می‌سازد (میرسپاسی، ۱۳۸۸). والتون<sup>۱</sup> (۱۹۷۳) نیز کیفیت زندگی در مدرسه را عکس العمل دانش آموزان در برابر کار به ویژه، پیامدهای ضروری آن در ارضای نیازهای شغلی و سلامت روحی، تعریف می‌کند. با استفاده از این تعریف کیفیت زندگی مدرسه بر پیامدهای شخصی، تجربه‌ی کاری و چگونگی بهبود کار به منظور رفع نیازهای فرد تأکید دارد (به نقل از نارنجی ثانی، ۱۳۸۷). والتون الگویی نظری، برای تعیین کیفیت زندگی تنظیم کرده است که شامل گزینه‌هایی است از جمله: ایمنی و بهداشتی، تأمین فرصت رشد و امنیت مداوم، قانونگرایی در سازمان، وابستگی اجتماعی زندگی کاری، فضای کلی زندگی، یکپارچگی و انسجام اجتماعی در سازمان کار و توسعه قابلیت‌های انسانی (همان منبع). همچنین مطالعه عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی طی سه دهه اخیر بیش از پیش مورد توجه متخصصان تعلیم و تربیت قرار گرفته است. یافته‌های پژوهشی متعددی نشان داده‌اند که پیشرفت تحصیلی هم از ساختارهای دانش و فرایندهای پردازش اطلاعات تأثیر می‌پذیرد و هم از عوامل محیطی (باتلر و وین<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵). بر این اساس پیشرفت تحصیلی تحت تأثیر، متغیرهای به هم وابسته‌ای مانند نگرش‌ها و برداشت‌ها، متغیرهای اقتصادی، تاثیرهمسالان و والدین، متغیرهای مربوط به دانشگاه و از این قبیل است. بسیاری از این متغیرها مربوط به خانواده و محیط خانه هستند و از این رو تغییر آنها مشکل و خارج از کنترل محیط آموزشی است. سایر آنها متغیرهای مربوط به دانشجویند. مثل برداشت‌های دانشجو و نسبت دادن موفقیت و نگرشهایی که می‌توانند در آینده بر، انتخاب رشته‌ی تحصیلی و فرصت‌های شغلی آنان تأثیر بگذارند (رینولدز، ۱۹۹۱؛ به نقل از هیند، ۲۰۰۴).

پیشرفت تحصیلی را توانایی آموخته شده یا اکتسابی حاصل از دروس آرایه شده یا به عبارت دیگر، توانایی آموخته شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشی می‌دانند که به وسیله‌ی آزمون‌های استاندارد شده، اندازه‌گیری می‌شود (سیف، ۱۳۸۴). فهم تفاوت‌های فردی در رابطه با سطوح موفقیتها و پیشرفتهای تحصیلی همیشه یکی از دغدغه‌های روان‌شناسان تربیتی بوده

<sup>1</sup> Walton

<sup>2</sup> Buttler and Winne

<sup>3</sup> Hind

است. فهم عوامل تاثیرگذار بر موفقیت‌های تحصیلی در فرآیند آموزش و یاددهی بسیار حائز اهمیت است، چراکه مدرسان متعددی علاقمندند تا بتوانند تشخیص دهند که مواد آموزشی مورد نظرشان را چه کسانی می‌توانند به خوبی یاد بگیرند و چه گروهی قادر به این امر نخواهند بود؛ از این رو، محققان در تلاش‌اند تا عوامل تاثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی را دریابند و به تبع آن بتوانند با گنجاندن برنامه‌های در جهت ارتقای این عوامل، سطوح موفقیت‌های تحصیلی را در دانش‌آموزان ارتقا ببخشند. موفقیت تحصیلی تحت تأثیر یک عامل نیست، بلکه عوامل متعددی نظیر استعداد تحصیلی (لاورویجن، ۱۹۹۷)، عوامل شناختی از جمله هوش عمومی (گذرلا، ۱۹۹۷)، خودکار آمدی تحصیلی (وانگ، ۱۹۹۸)، راهبردهای خود تنظیمی (گربن، ۱۹۹۶؛ به نقل از آکینب ۲۰۰۵)، ساختار کلاس درس (مایا، ۲۰۰۱) انگیزش تحصیلی (آگورولو و آلبرگ، ۱۹۷۹)، توانایی یادگیرندگان، آموزش معلمان، و انگیزش یادگیرندگان (کیت و کول، ۱۹۹۷) بر روی آن تأثیر دارند. در واقع، این عوامل و متغیرها در هم تنیده‌اند و با یکدیگر کنش متقابل دارند که تعیین نقش و سهم هر یک به دشواری امکان پذیر است (گلمن، ۱۹۹۵، فلوری، ۲۰۱۰، ۲۰۰۳). تحقیقات نشان داده‌اند که قابلیت‌های شناختی یکی از تاثیرگذارترین عوامل در عملکرد تحصیلی است (آکرمن و هجستاد، ۱۹۹۷؛ آکانر و پائونون، ۲۰۰۷)، اما تواناییهای شناختی به تنهایی نمی‌تواند تفاوت‌های فردی در کسب موفقیت‌های تحصیلی را توجیه کند (چامورو و فورنهام، ۲۰۰۶). از این رو، محققان در تلاش‌اند تا پیش‌بین‌گرهای غیرشناختی موفقیت‌های تحصیلی را شناسایی کنند، عوامل شخصیتی یکی از این عوامل غیرشناختی تاثیرگذار بر کیفیت عملکرد تحصیلی می‌باشد (آکانر و پائونون، ۲۰۰۷). برخورداری از درجات متفاوت ویژگیهای شخصیتی به تناسب بر احساسات، بازخوردها و رفتارها تاثیر می‌گذارد. برای مثال، افرادی که در بعد نوزگرایی نمرات بالای کسب می‌کنند، آمادگی بیشتری برای تجربه هیجان‌های ترس، غم، خشم و احساس گناه دارند (هسللم و همکاران، ۲۰۰۹؛ پتریدس و همکاران، ۲۰۱۰). برعکس، افرادی که در مقیاس برونگرایی نمره بیشتر می‌گیرند، عموماً شادتر، سرزنده تر، با انرژی تر، خوش بین تر و فعال ترند (رامستد و همکاران، ۲۰۱۰). ساختار شخصیت براساس مدل‌های مختلف تبیین شده است. مدل سه بعدی شخصیت (آیزنک، ۱۹۸۵)، شامل ابعاد برونگرایی، نوزگرایی و روانپریش گرای، و مدل پنج عاملی شخصیت (کاستا و مک کرا، ۱۹۹۲؛ اسویکرت و همکاران، ۲۰۱۰) شامل ابعاد نوزگرایی، برونگرایی، تجربه پذیری، همسازی و وظیفه شناسی، با پشتوانه نظری، تجربی و پژوهشی، از معتبرترین و مشهورترین مدل‌های شخصیت محسوب می‌شوند (کوماراجو و همکاران، ۲۰۰۹؛ هسللم و همکاران، ۲۰۰۹). بررسی خلاقیت در حوزه هیجان‌ها یا پیشرفت تحصیلی توجه بسیاری را به خود معطوف کرده است. این مفهوم را آوریل و همکاران (۱۹۹۴) همزمان با مفهوم پیشرفت تحصیلی سالوی و مایر (۱۹۹۰) مطرح کردند. آوریل و نانلی (۱۹۹۲) در تعریفی ابعاد و عناصر این نوع خلاقیت را تعیین کردند. برابر این تعریف: "پیشرفت تحصیلی عبارت است از ابراز خود به روشی بدیع که براساس آن خطوط فکری فرد بسط یافته و روابط بین فردی او افزایش یابد. مطابق این تعریف بداعت، اثربخشی و صداقت سه عنصر اصلی پیشرفت تحصیلی محسوب می‌شوند (سالوی و مایر، ۱۹۹۰). همچنین، برخی از متخصصان بر این امر تأکید می‌کنند که بین متغیرهای مدیریت و پیشرفت تحصیلی در دوره‌های مختلف سنی در میان دانش‌آموزان ارتباط نزدیکی وجود دارد، به گونه‌ای که با افزایش یا کاهش یک متغیر، تغییراتی در متغیر دیگر به وجود می‌آید (سالوی و همکاران، ۲۰۰۲). در همین خصوص، فردریکسون و فورنهام (۲۰۰۴)

از این رو در این تحقیق کوشیده شده است تا با واکاوی تاثیر هوش هیجانی بر کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بررسی و راهکارها و پیشنهادات لازم در پایان ارائه گردد.

### بیان مسأله

امروزه در مدارس، پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان یکی از مهمترین ملاک‌های ارزیابی عملکرد توسط معلمان محسوب می‌شود و این ملاک برای دانش‌آموزان به وسیله معدل تحصیلی که معرف توانایی‌های علمی آن‌ها برای ورود به دنیای کار و اشتغال و مقاطع تحصیلی بالاتر است به حساب می‌آید؛ بنابراین نظریه پردازان تربیتی بسیاری از پژوهش‌های خود را بر شناخت عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی تمرکز کرده‌اند (درتاج، لک پور و بهلولی، ۱۲). به طور کلی هوش هیجانی مفهوم جدید است که از دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد در ادبیات مدیریت به کار رفته است و یکی از مهارت‌های جدید مدیریت به ویژه

مدیریت منابع انسانی به شمار می‌رود که طی دهه گذشته به طور قابل توجهی نظر عموم را به خود جلب کرده است (مایز کارسورسالون (۲۰۱۰-۱۹۹۹-۲۰۰۹). هوش هیجانی موضوعی است که سعی در تشریح و تغییر جایگاه هیجانات و عواطف در توانمند یهای انسان دارد که توان انسانی را به عملکرد و کیفیت زندگی اجتماعی مالی تبدیل می‌کند (گلمن ۱۹۹۸). در ضمن شواهد زیادی است که هوش هیجانی باعث کیفیت زندگی اجتماعی می‌شود دورکات دولف بیان می‌کند که تیم‌های دارای هیجانی دارای انواع مشارکت و همکاری تعهد خلاقیت از خود نشان می‌دهند که به طور فزاینده بر کیفیت زندگی اهمیت دارد. مفهوم هوش هیجانی ژرفای تازه و عمیقی در فهم و هوش انسان گشوده است و توانایی برای ارزیابی هوش کلی یا عمومی را توسعه داده است (بار اون ۲۰۰۰). لی پر عنوان کرد: تفکر هیجانی قسمتی از تفکر منطقی و هوش کلی است و به آنها کمک می‌کند (لی پر ۱۹۴۸ به نقل از بار اون ۱۹۹۷). ممکن است پنج عنصر هوش هیجانی در عمل را خود آگاه، خود نظمی، انگیزش، همدلی و مهارت اجتماعی می‌داند.

- ۱- خود آگاهی: توانایی تشخیص و در حالات روش احساسات و عواطف و انگیزها خود نیز تاثیر آن بر دیگران.
- ۲- خود نظمی: توانایی کنترل یا تغییر مسیر تمناها و حالات روحی مخرب تا مل هر داوری و تفکر قبل از اقدام.
- ۳- انگیزش: اشتیاق و دلبستگی به کار به دلایل فراسوی پول یا موقعیت شغلی تمایل به دنبال کردن هدفها همراه با انرژی و پشتکار.
- ۴- همدلی: توانایی در حالات هیجانی دیگران مهارت‌های رفتار با دیگران براساس واکنش‌های هیجانی آنها.
- ۵- مهارت‌های اجتماعی: مهارت در مدیریت روابط و ایجاد شبکه‌ها توانایی دریافتن زمینه‌های مشترک و ایجاد رابطه نزدیک.

از آنجا که آموزش و پرورش در تمامی جوامع اصلی ترین عامل تحول و پیشرفت جامعه محسوب می‌شود اهمیت و ضرورت هوش هیجانی می‌تواند تأثیری به سزایی داشته باشد و این نقش غیر قابل انکار است و با توجه به نقش مدارس بایستی دانش آموزان آن از شایستگی و توانایی زیادی برخوردار باشند تا در امر تحقیق و توسعه علم و دانش و کیفیت زندگی دانش آموزان تاثیرگذار باشد. از نظر وی سینگر (۱۹۹۸) هوش هیجانی استفاده هوشمندان از عواطف است به این صورت که شما آگاهانه از عواطف خود استفاده می‌کنید و رفتار و تفکرات خود را در جهت اهداف خود هدایت می‌کنید تا به نتایج جالب توجهی دست یابید. بر اساس یافته‌های محققین هوش هیجانی اغلب کسانی که دارای عملکرد بهترین هستند دارای هوش هیجانی بالاتری می‌باشند این در حالی است که اکثر افرادی که عملکرد پایینی دارند به این علت نیست که مهارت‌های فردی کمتری دارند ارتباطات کار ایشان ضعیف است. اقتدار طلب و جاه طلب می‌باشند و یا اینکه با مدیریت سطح بالا اختلاف دارند. تعجب آور نیست که گلمن (۱۹۹۸) می‌گوید: اهمیت هوش هیجانی همزمان با بالاتر رفتن مدیران در سلسله مراتب سازمانی افزایش می‌یابد چرا که اهمیت ارتباطات سازمانی زیاد می‌شود. در مورد اینکه بهره هوشی به تنهایی نمی‌تواند پیش بینی کننده عملکرد افراد در شغل خودشان باشد در سال ۱۹۸۴ تحقیقات هانترها نشان داد که در بهترین وضعیت بهره هوشی مسئولیت ۲۵ درصد تغییرات می‌باشد. سی توماس و همکاران (۲۰۰۶) به بررسی رابطه هوش هیجانی بر کیفیت زندگی در روابط اجتماعی پرداخت یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که هوش هیجانی بر کیفیت زندگی رابطه مثبت و عملکرد آن همبستگی وجود دارد. همچنین دستیابی به بهره وری و بهبود کیفیت نظام آموزشی را می‌توان اثر گذار ترین عامل در توسعه کشورها دانست. تجارب کشورهای پیشرفته‌ای چون ژاپن در زمینه توسعه همه جانبه نیز حکایت از سرمایه گذاری بر روی منابع آموزشی و انسانی دارد. در راستای دستیابی به این اهداف بهبود کیفیت موقعیت تحصیلی از جمله اهداف اساسی برنامه‌های آموزشی است. در حالی که امروزه افت تحصیلی یکی از نگرانی‌های خانواده‌ها و دست اندرکاران تعلیم و تربیت است. از جمله موضوعات مورد علاقه صاحب نظران علوم تربیتی یافتن شرایط و امکانات لازم و موثر در جهت تحصیلی موفق و پیشرفت تحصیلی است. اما عدم موفقیت در تحصیل زمینه ساز مشکلات فردی و اجتماعی و انحراف از دستیابی به اهداف سیستم آموزش است. محققین عوامل مختلفی را در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دخیل دانسته‌اند. اما با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و تغییرات سریع عوامل در طول زمان نمی‌توان به عنوان یک قانون عمومی و کلی، علل خاصی را برای جوامع مطرح

نمود. زیرا قوانین بافت فرهنگی و نسبت جامعه، نگرش مردم به تحصیلات، سطح درآمد والدین و غیره، همه از عواملی هستند که به طور اخص در یک جامعه بر شکست یا موفقیت تحصیلی تأثیر می‌گذارد. منابع موجود نشان می‌دهد که آموزش به طور کلی تحت تأثیر پنج عامل فراگیر آموزش گر، برنامه، تجهیزات و محیط آموزشی است که هر یک از عوامل مذکور دارای ویژگی‌هایی است که می‌تواند در پیشرفت تحصیلی و پیشرفت تحصیلی تأثیرات متفاوتی داشته باشند (سیف، ۱۳۹۰). بنابراین با توجه به آنچه بیان شد در این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این سوال هستیم که آیا هوش هیجانی بر کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر مقطع ابتدایی شهرستان رشتخوار تأثیر دارد؟

### روش تحقیق

هدف مطالعه‌ی حاضر بررسی تأثیر هوش هیجانی بر کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان رشتخوار می‌باشد. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دانش آموزان پسر مقطع ابتدایی پایه سوم تا ششم شهرستان رشتخوار در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ می‌باشد. که طبق آمار اخذ شده از آموزش و پرورش شهرستان تعداد کل دانش آموزان برابر با ۶۵۰۰ نفر بود که از میان آنها به روش غیر تصادفی و در دسترس تعداد ۱۴۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. که بعد از توجیه در مورد پژوهش در این مرحله تمامی آنان رضایت کامل خود را جهت پاسخ به پرسشنامه‌ها اعلام کردند، در آخر هم با جمع آوری پرسشنامه و حذف پرسشنامه‌های ناقص و مخدوش و هم چنین حذف داده‌های پرت، حجم نمونه آماری ۱۳۵ نفر تعیین گردید. برای تحلیل داده‌ها از روشهای آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، و انحراف معیار؛ و آمار استنباطی شامل آزمونهای  $t$ ، ضرایب همبستگی و تحلیل رگرسیون همزمان در سطح ۰/۰۵ استفاده شد.

### یافته‌ها

#### تحلیل‌های آماری توصیفی

استفاده از آمار توصیفی به منظور تلخیص اطلاعات جمع‌آوری شده و شناخت بیشتر جامعه مورد بررسی صورت پذیرفته است و هدف آن نیز توصیف، استخراج نکات اساسی و ترکیب داده‌ها به کمک زبان اعداد می‌باشد. توجه داشته باشید که نتایج به دست آمده در آمار توصیفی را نمی‌توان به کل جامعه آماری گسترش داد. البته با عنایت به مقیاس اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق آماری توصیفی در دو بخش ارائه شده در بخش اول ویژگی‌های جمعیت شناختی و در بخش دوم آماره‌های توصیفی متناظر با متغیرهای تحقیق ارائه می‌شود.

#### توصیف متغیرهای پژوهش

##### جدول شماره‌ی (۱): توصیف خرده مقیاس متغیر پیشرفت تحصیلی

پیشرفت تحصیلی	تعداد سوالات	تعداد	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	میانگین	انحراف معیار
پیشرفت تحصیلی	۱۷	۱۳۵	۲۲	۷۶	۵۹,۳۸	۹,۲۱

با توجه به جدول شماره‌ی (۱)، نشان می‌دهد که نظر پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه پیشرفت تحصیلی (  $SD=9,21$  ) و

$m=59,38$  ) را دارد.

##### جدول شماره‌ی (۲): توصیف خرده مقیاس متغیر پیشرفت تحصیلی

مولفه‌های پیشرفت تحصیلی	تعداد سوالات	تعداد	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	میانگین	انحراف معیار
پیشرفت تحصیلی	۵	۱۳۵	۹	۲۲	۱۳,۱۵	۳,۶۱
خلاقیت	۵	۱۳۵	۱۲	۲۰	۱۲,۳۸	۳,۸۴
پیشرفت	۵	۱۳۵	۱۰	۲۱	۱۳,۴۲	۳,۲۵

با توجه به جدول شماره ۲ (۲)، نشان می‌دهد که نظر پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه پیشرفت تحصیلی به ترتیب بازخورد بیشترین میانگین به عامل پیشرفت تحصیلی ( $SD=۳,۶۱$  و  $m=۱۳,۱۵$ ) و پیشرفت کمترین میانگین ( $SD=۳,۲۵$  و  $m=۱۳,۴۲$ ) را دارد.

### تحلیل داده‌ها

#### آزمون نرمال بودن

برای آزمون نرمال بودن از خطای استاندارد ضریب چولگی که نسبت ضریب چولگی به خطای استاندارد آن است استفاده شده است. اگر کوچکتر از ۲- یا بزرگتر از ۲ باشد نرمال بودن رد می‌شود (مومنی، ۱۳۸۹).

#### جدول شماره ۳ (۳) آزمون نرمال بودن متغیرها

متغیر	کشیدگی	چولگی	تعداد	نتیجه
پیشرفت تحصیلی	۰,۲۵۶	۰,۴۱۲	۱۳۵	نرمال است
پیشرفت تحصیلی	۰,۱۹۷	۰,۳۵۶	۱۳۵	نرمال است

#### آزمون فرضیه پژوهش

بین هوش هیجانی با کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۳ (۳): نتایج ضریب همبستگی بین هوش هیجانی با کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

متغیرها	پیشرفت تحصیلی	خلاقیت	پیشرفت	کیفیت زندگی
عامل درون فردی	۰,۶۷**	۰,۶۵**	۰,۶۴**	۰,۶۶**
عامل بین فردی	۰,۵۹**	۰,۵۵**	۰,۵۴**	۰,۵۶**
عامل سازگاری	۰,۶۴**	۰,۶۳**	۰,۶۰**	۰,۶۲**
عامل مدیریت استرس	۰,۵۹**	۰,۵۸**	۰,۵۵**	۰,۵۷**
عامل خلق عمومی	۰,۶۸**	۰,۶۲**	۰,۵۸**	۰,۶۱**
پیشرفت تحصیلی	۰,۶۹**	۰,۶۸**	۰,۶۴**	۰,۶۷**

$**P < 0.05$   $*P < 0.1$

نتایج جدول شماره ۳ (۳) نشان می‌دهد که بین هوش هیجانی با کیفیت زندگی دانش آموزان ( $r=۰,۶۶$  و  $p < 0,01$ ) و پیشرفت تحصیلی آنان ( $r=۰,۶۷$  و  $p < 0,01$ )، رابطه معناداری وجود دارد.

**فرضیه دوم:** هوش هیجانی پیش بینی کننده کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع ابتدایی است.

جدول شماره ۴ (۴): ضریب همبستگی متغیر هوش هیجانی پیش بینی کننده کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

ضریب همبستگی	مجدور ضریب همبستگی	مجدور ضریب همبستگی تعدیل شده	خطای معیار برآورد
۰,۲۳۸	۰,۰۵۷	۰,۰۴۴	۱۷,۴۲۱

<sup>1</sup> Standard Error of skewness

این جدول مقادیر ضریب همبستگی و مجذور ضریب همبستگی را نشان می‌دهد. مقدار ضریب همبستگی (R) برابر است با ۰,۰۵۷، اشاره دارد به همبستگی ساده بین دو متغیر و به عبارتی شدت همبستگی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. همان طور که از مقدار R (همبستگی پیرسون بین دو متغیر) نمایان است، بین دو متغیر هوش هیجانی و کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان همبستگی وجود دارد.

مقدار مجذور ضریب همبستگی ( $R^2$ ) نشان می‌دهد که چه مقدار از متغیر وابسته یعنی کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، می‌تواند توسط متغیر مستقل یعنی هوش هیجانی، تبیین شود. متغیر هوش هیجانی می‌تواند ۰/۰۵۷ درصد از تغییرات متغیر کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را تبیین کند.

### بحث و نتیجه گیری

پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یکی از شاخص‌های مهم در ارزشیابی آموزش و پرورش است و تمام کوشش‌ها در این نظام در واقع تلاش برای جامعه عمل پوشاندن بدین امر تلقی می‌شود. به طور اعم کل جامعه و به طور اخص نظام آموزش و پرورش نسبت به سرنوشت کودکان، رشد و تکامل موفقیت آمیز آنان جایگاه آنها در جامعه علاقه مند و نگران است و انتظار دارد دانش آموزان در جوانب گوناگون، اعم از ابعاد شناختی و کسب مهارت و توانایی‌ها و نیز در ابعاد عاطفی و شخصیتی، آن چنان که باید پیشرفت و تعالی یابند (پورشافعی، ۱۳۷۰). بدون شک در دنیای پیشرفته امروزی یکی از علایم موفقیت فرد، پیشرفت تحصیلی می‌باشد که بدون آن توسعه و ترقی هیچ کشوری امکان پذیر نخواهد بود. ترقی هر کشوری رابطه مستقیم با پیشرفت علوم و دانش و تکنولوژی آن کشور دارد و پیشرفت علمی نیز حاصل نمی‌شود مگر این که افراد خلاق تربیت شده باشند، پیشرفت تحصیلی ضمن این که در توسعه و آبادانی کشور مؤثر است در سطوح عالی منجر به یافتن شغل و موقعیت مناسب و در نتیجه درآمد کافی می‌شود. دانش آموزان و دانشجویان که از موقعیت‌های تحصیلی برخوردارند، خانواده و جامعه با دیده‌ی احترام به آنان می‌نگرند. در جامعه با روحیه و نشاط بیشتری حضور خواهند یافت و در کنار این‌ها از هزینه‌های گزافی که از افت تحصیلی بر آموزش و پرورش تحمیل می‌شود، کاسته خواهد شد. دستیابی به بهره‌وری و بهبود کیفیت نظام آموزشی را می‌توان اثر گذارترین عامل در توسعه کشورها دانست. تجارب کشورهای پیشرفته‌ای چون ژاپن در زمینه توسعه همه جانبه نیز حکایت از سرمایه گذاری بر روی منابع آموزشی و انسانی دارد. در راستای دستیابی به این اهداف بهبود کیفیت موقعیت تحصیلی از جمله اهداف اساسی برنامه‌های آموزشی است. در حالی که امروزه افت تحصیلی یکی از نگرانی‌های خانواده‌ها و دست اندرکاران تعلیم و تربیت است. از جمله موضوعات مورد علاقه صاحب نظران علوم تربیتی یافتن شرایط و امکانات لازم و موثر در جهت تحصیلی موفق و پیشرفت تحصیلی است. اما عدم موفقیت در تحصیل زمینه ساز مشکلات فردی و اجتماعی و انحراف از دستیابی به اهداف سیستم آموزش است. محققین عوامل مختلفی را در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دخیل دانسته‌اند. اما با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و تغییرات سریع عوامل در طول زمان نمی‌توان به عنوان یک قانون عمومی و کلی، علل خاصی را برای جوامع مطرح نمود. زیرا قوانین بافت فرهنگی و نسبت جامعه، نگرش مردم به تحصیلات، سطح درآمد والدین و غیره، همه از عواملی هستند که به طور اخص در یک جامعه بر شکست یا موفقیت تحصیلی تأثیر می‌گذارند. منابع موجود نشان می‌دهد که آموزش به طور کلی تحت تأثیر پنج عامل فراگیر آموزش گر، برنامه، تجهیزات و محیط آموزشی است که هر یک از عوامل مذکور دارای ویژگی‌هایی است که می‌توانند در پیشرفت تحصیلی و پیشرفت تحصیلی تأثیرات متفاوتی داشته باشند (سیف، ۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی را می‌توان در سه سطح فردی، خانوادگی، آموزشی در نظر گرفت. ارتباط با مدرسه به این دلیل نیز که موجب می‌گردد تا والدین از وضعیت تحصیلی، برنامه ریزی آموزشی و نیازهای فرزندان‌شان بهتر و بیشتر آگاه شوند و اطلاعاتی را بدست آورند که برای ارائه نقش تربیتی بهتر خانواده لازم و ضروری است. برخی والدین به دلیل عدم آشنایی کافی با نیازهای واقعی ویژگی‌های سنی فرزندان‌شان در سنین مختلف و عدم اطلاع از وضعیت تحصیلی آنان نمی‌توانند نقش‌های نظارتی و حمایتی خود را به طرز صحیحی اجرا نمایند و نه تنها موجب بروز افت تحصیلی در فرزندان خود می‌شوند، بلکه روز به روز از فرزندان خود نیز به دلیل عدم شناخت کافی از آنان فاصله می‌گیرند. ارتباط مستمر با مدرسه و شرکت منظم در جلسات انجمن اولیاء و مربیان و شرکت در کلاس‌های آموزشی مناسب برای آشنایی با ویژگی‌ها و نیازهای فرزندان در دوره



های سنی مختلف و آشنایی با برنامه ریزی آموزشی این گروه سنی، راهکار مناسبی است برای تقویت بعد نظارتی و حمایتی خانواده‌ها در برابر فرزندان که امیدواریم مورد توجه خانواده‌ها قرار گیرد (هاشمی رکاوند، ۱۳۷۷).

پژوهش‌های آکو بویرو و جوشوا (۲۰۰۴) نشان داد که پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه را می‌توان براساس خود پنداره و نگرشی دانش آموزان به فعالیت‌های تحصیلی پیش بینی کرد (پارکر و همکاران، بار-آن، ۱۹۹۹ به نقل صاحب، ۱۳۸۹). پژوهش‌های بس (۲۰۰۴) حاکی از آن است که نگرش مثبت دانش آموزان نسبت به دروس آموزشی بر پیشرفت تحصیلی آنان در این درس‌ها تأثیر مثبت می‌گذارد. علاوه بر نگرش دانش آموز نسبت به مدرسه، نگرشی او نسبت به توانایی و شایستگی خود در انجام دادن تکالیف درسی، اغلب با انگیزه و پیشرفت و عملکرد تحصیلی بهتر همراه است. چنان که پژوهش‌های گسترده بندورا (۱۹۹۷) در این زمینه شواهدی را مطرح می‌سازد که نشان می‌دهد خود توانایی انگیزه، دانش آموز را برای تلاش در راه پیشرفت تحصیلی بر می‌انگیزد. این متغیر نه تنها در پیشرفت تحصیلی بلکه در موفقیت زندگی نیز نقش مهمی را ایفا می‌کند. مهارت‌ها و توانایی‌های هیجانی و اجتماعی که تحت عنوان پیشرفت تحصیلی مشهورند، از جمله پیش بینی کننده‌های قوی پیشرفت تحصیلی هستند. پیشرفت تحصیلی یک سری از توانایی‌ها و مهارت‌های غیرشناختی است. (برای مثال: توانایی کنترل احساسات و هیجانات در خود و دیگران، پذیرائی دیدگاه سایر افراد و کنترل روابط اجتماعی) که توانایی فرد را در مقابله با فشارها و اقتضاهای محیطی افزایش می‌دهد (بار-اون، ۱۹۹۷). تحقیقات انجام شده در مورد ارتباط پیشرفت تحصیلی و پیشرفت تحصیلی به طور کلی بیانگر نقش معنادار پیشرفت تحصیلی در پیشرفت تحصیلی است (پارکر و همکاران، ۲۰۰۴، براکت و سالوی، ۲۰۰۴، الیاسی و همکاران، ۲۰۰۳، میرس شات و همکاران ۱۹۹۸، بار-اون ۱۹۹۷: استوارت، ۱۹۹۶، به نقل از صاحب، ۱۳۸۹). در یک رویکرد مهم تأثیر فرآیندهای محیط خانوادگی بر پیشرفت تحصیلی مطرح است. پژوهش‌هایی که براساس این رویکرد انجام شده، حاکی از رابطه میان سبک فرزند پروری و عملکرد تحصیلی است، کودکانی که در خانواده‌های قاطع پرورش می‌یابند، نمره پیشرفت تحصیلی بالاتری را در مقایسه با فرزندان سایر سبک‌های خانوادگی کسب می‌کنند (استرنبرگ و همکاران، ۱۹۸۹؛ به نقل صاحب، ۱۳۸۹). در واقع پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان یکی از مهمترین ملاک‌های ارزیابی عملکرد معلمان محسوب می‌شود. برای دانش آموزان نیز معدل تحصیلی معرف توانای پهای علمی آن‌ها برای ورود به دنیای کار و اشتغال و مقاطع تحصیلی بالاتر است؛ بنابراین نظریه پردازان تربیتی بسیار یها از پژوهش‌های خود را بر شناخت عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی تمرکز کرده‌اند (درتاج، لک پور و بهلولی، ۱۲).

در مطالعه حاضر بین هوش هیجانی و مولفه‌های آن با کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی ارتباط معنی داری مشاهده شد. همچنین در مطالعه فوق مشاهده شد که بین رابطه هوش هیجانی با کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی ارتباط مثبتی وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که هوش هیجانی با کیفیت زندگی دانش آموزان، روابط اجتماعی، میزان همدلی رابطه معنی داری دارد و هوش هیجانی در کیفیت زندگی و مهارت‌های اجتماعی و هوش هیجانی، و مولفه فردتنظیمی و میزان هوش هیجانی رابطه معنادار وجود دارد. این یافته‌ها، همچنین نشان می‌دهد که هوش هیجانی می‌تواند تغییرات مربوط به کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را پیش بینی کند. سوی مثبت همبستگی متغیرها، بیان گر آن است که با افزایش میزان هوش هیجانی، سطح کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان افزایش می‌یابد و در پی آن، کیفیت روابط اجتماعی بهبود پیدا می‌کند. این یافته‌ها را که با نتایج پژوهش‌های قبلی (آیزن برگ، فابز، گادری، و ریزر، ۲۰۰۰، قلدمن، فیلیپوت و کاسترینی، ۱۹۹۱، هالبرس تد، دن هام، و دانس مور، ۲۰۰۱: سارنی ۱۹۹۹: سالووی، مه بر و کاراسو، ۲۰۰۱) هم سو است. به استناد پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی رابطه‌ی هوش هیجانی و مولفه‌های سلامت روانی و تأیید همبستگی این دو متغیر (مه یر، دی پائولو، و سالووی، ۱۹۹۰، مه یر، و سالووی، ۱۹۹۳، مه یر و سالووی، ۱۹۹۷، لین و شوآرتز، ۱۹۸۷) در یک تبیین کلی می‌توان همبستگی مثبت هوش هیجانی با کیفیت زندگی را توجیه کرد بنابراین تبیین، هوش هیجانی با تامین سلامت روانی، کیفیت زندگی را افزایش می‌دهد و باعث بهبود در کیفیت روابط اجتماعی فرد می‌شود. هوش هیجانی با میزان توانایی فرد در ابراز همدلی با دیگران رابطه دارد (مه یر، دی پائولو، و سالووی، ۱۹۹۰، مه یر و سالووی، ۱۹۹۳، مه یر و سالووی، ۱۹۹۷). توان هم دلی با دیگران به ویژه به فرد کمک می‌کند تا در ابعاد مردم آمیزی و صمیمیت در حوزه‌ی روابط اجتماعی

کار کردی موفق تر داشته باشد. بر این اساس، هوش هیجانی از راه هم دلی، کیفیت زندگی را افزایش می‌دهد و باعث بهبود در کیفیت روابط اجتماعی می‌شود.

یافته‌های پژوهشی نشان داده است که هوش هیجانی با سازش اجتماعی و هیجانی (سالووی، مه‌یر، و کاراسو، ۲۰۰۲) و بهزیستی هیجانی (مه‌یر، و گه‌هر، ۱۹۹۶) همبستگی مثبت دارد. بهزیستی هیجانی، سازش اجتماعی، و سازش هیجانی، بازه‌ی گسترده‌ئی از شبکه‌ی روابط اجتماعی را در بر می‌گیرد و هر یک از این مولفه‌ها می‌تواند واسطه‌هایی مثبت و موثر برای بهبود روابط اجتماعی به شمار آید. هوش هیجانی با تقویت این میانجی‌ها، یعنی با افزایش بهزیستی هیجانی، و گسترش دامنه‌ی سازش اجتماعی و هیجانی، بر کاهش مشکلات بین شخصی و در پی آن بهبود کیفیت روابط اجتماعی تاثیر می‌گذارد. میانجی‌های یاد شده، همچنین بسترهایی مناسب را برای افزایش و بهبود وضعیت اجتماعی فرد در زمینه‌های قاطعیت، مردم‌آمیزی، صمیمیت و مسئولیت‌پذیری فراهم می‌سازد. تبیین دیگری که برای یافته‌های پیش گفته می‌توان آورد، تبیین ساختاری است. بر پایه‌ی این تبیین، ساختار مولفه‌های چهارگانه‌ی هوش هیجانی که از پیوستگی و انسجام برخوردار است (ویژگی‌ای که یافته‌های مربوط به همسانی درونی پرسش‌های مقیاس هوش هیجانی نیز آن را تایید می‌کند). با برهم کنش و تاثیر دوسویه، نقش یکدیگر را تقویت و تکمیل می‌کند. بدین ترتیب، ساختار مولفه‌های هوش هیجانی و به عبارت دیگر بر هم کنش مولفه‌ها با تقویت و تکمیل ویژگی‌ها و نقش‌های هر یک از مولفه‌ها، به گونه‌ای یک پارچه و منسجم و در راستای تبیین‌های پیش گفته، کیفیت زندگی افزایش می‌دهد و باعث بهبود کیفیت روابط اجتماعی فرد می‌شود.

#### پیشنهادات

برای بررسی دقیق‌تر چگونگی تاثیر هوش هیجانی بر کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی، پیشنهاد می‌شود تاثیر هر کدام از مولفه‌های هوش هیجانی بر متغیرهای پیشرفت تحصیلی و کیفیت زندگی جداگانه بررسی شود. آثار دراز مدت هوش هیجانی بر کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی (برای نمونه، سال‌ها و دوره‌های مختلف تحصیلی با توجه به انگاره‌های مطرح در مورد دگرگونی‌های هوش هیجانی با گذشت زمان)، و تاثیر هوش هیجانی بر کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی در زمینه‌های مختلف زندگی اجتماعی مطالعه گردد

#### منابع

- ارزندگی، محمد (۱۳۹۲)، هوش هیجانی بر افسردگی، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه پیام نور رشتخوار
- استوار، صغری، امیزاده خاتونی، ماندانا (۱۳۸۷)، بررسی رابطه میان هوش هیجانی، رضایت شغلی و تعهد سازمانی در کارکنان کارخانه بخش خصوصی در شهر شیراز.
- بیاتی، علی اصغر (۱۳۸۷)، بررسی پایایی و روایی نسخه فارسی مقیاس هوش هیجانی در دانش‌آموزانف دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر.
- جمال آبادی، پریسا، میرشاهی، فرزاد، بهشتی پور، حسین (۱۳۹۵) یادگیری و جایگاه آن در ارتباطات اثربخش، کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی. برلین، آلمان
- حسین زاده، داود، صائمیان، آذر (۱۳۸۱)، خشنودی شغلی توجه به کارکنان و کیفیت زندگی کاری، نشریه مدیریت، شماره ۶۶. خسروجردی، راضیه، بررسی رابطه هوش هیجانی با سلامت عمومی در دانش‌آموزان دانشگاه سبزوار.
- رابینز، پی استیفن (۱۳۸۷)، مبانی رفتار سازمانی، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رهنما، احمد (۱۳۸۷)، بررسی رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت با پیشرفت تحصیلی در دانشگاه شاهد.
- سیاروچی، ژوزف، فورگاس، ژوزف، مایر، جان (۱۳۸۳)، هوش هیجانی در زندگی روزمره، ترجمه اصغر نوری امام زاده‌ای و حبیب اله نصیری، تهران.
- سیدان، ابوالقاسم، خوشایند، حمیده. (۱۳۹۷). نقش میانجی‌گری یادگیری در ارتباط بین سبک زندگی با کیفیت زندگی کاری معلمان. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد* 61(6.1), 231-238. doi: ;

- سیف، جواد (۱۳۸۴). ویژگی‌های شخصیتی تیزهوشان، تهران: نشر سمپاد.
- شهامت، نادر و استواری، سارا (۱۴۰۰). یادگیری الکترونیک و کاربرد آن در آموزش و یادگیری، چهارمین همایش بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، همدان، <https://civilica.com/doc/1452597>
- قائدی، غلامحسین (۱۳۸۶)، ثابتی آزاد، رستمی، رضا شمس جمال، ارتباط بین هوش هیجانی و سازو کارهای دفاعی.
- کاظمی، یحیی، برماس، حامد، آذر، خرداد، فاطمه (۱۳۸۸)، بررسی تاثیر آموزش مهارت‌های مدیریت هیجانی بر هوش هیجانی دانش آموزان مقطع راهنمایی، دانشگاه الزهرا.
- کاووسی، فیروزه (۱۳۷۷)، بررسی آموزش هوش هیجانی در محیط کار، نشریه صنعت برق.
- گلمن، دانیل (۱۳۸۹)، هوش هیجانی، ترجمه نسرين پارسا، تهران، انتشارات رشد.
- منصوری، بهزاد (۱۳۸۰)، هنجاریابی هوش هیجانی، سیبریا شرینگ، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
- نصیری، حبیب اله (۱۳۸۵)، بررسی روایی و پایایی مقیاس کوتاه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی (WHOQOL - BREF) و تهیه نسخه ایرانی آن، مجموعه مقالات سومین سمینار سراسری بهداشت روانی دانش آموزان، ۳ و ۴ خردادماه ۱۳۸۵.
- نقدی، هادی، ادیب راد، نسترن، نورانی پور، رحمت اله (۱۳۸۸)، اثر بخشی آموزش هیجانی بر پر خاشگری دانش آموزان پسر سال اول دبیرستان.
- نیکو گفتار، منصوره (۱۳۸۶)، آموزش هوش هیجانی، ناگویی خلقی، سلامت عمومی و پیشرفت تحصیلی، دانشگاه الزهرا
- هینف استیو، هوش هیجانی برای همه، ترجمه رویا کوچک انتظاری و مژگان موسوی شوشتری، تهران، تجسم خلق، ۱۳۸۴.
- Beghetto, R. A. (2007). Does creativity have a place in classroom discussions? Prospective teachers' response preferences. *Thinking Skills and Creativity*, 2 (1), pp 1-9.
- Biosatto, L. C., Coplan, Rt. J., Bowker, A. (2000). Keeping it all inside: Shyness, internalizing coping strategies and socio-emotional adjustment in middle childhood. *International Journal of Behavioral Development*, 33 (1), 47-54.
- Brooks, Jane, B. (1997). *parenting*. second edition. Mountain View, Mayfield.
- Clark, R. D. & Shields. G. (1997). Family communication and Delinquency. *Academic search premier*, 32 , 125.
- Dawdaand Hart, G. A., Holland, M. L. (2002). Emotional and behavioral problems of young children: Effective interventions in the preschool and kindergarten years. New York: Guilford press.
- Defabio, J. A., Noller, P. (2009). Attachment style as a predictor of adult romantic relationships. *Journal of personality and social psychology*, 58, 282-292.
- Diset, A. M., Daubman, K. A. (2003). The influence of positive effect on categorization. *Journal of Personality and Social Psychology*, 47(6), 1206-1217.
- Eisenberger, R. Rhoades, L. (2001). Incremental Effects of Reward on Creativity, *Journal of Personality and Social Psychology*, 81(4), 728-741.
- Faeian, N. A., Turner, S. M., Biedel, D. C. (2003). Shyness: Relationship to social phobia and other psychiatric disorders. *Behaviour research and Therapy*, 41, 209-221.
- Fersidez, M., Wofiled, A. (2003). Intelligence and personality as predictors of divergent thinking: the role of general, fluid and crystallised intelligence. *Thinking Skills and Creativity*, 4(1), 60-69.
- Fodor, E. M. Carver, R. A. (2002). Achievement and Power Motives, Performance Feedback, and Creativity, *Journal of Research in Personality* 34 (4), 380-396.
- Green, N. E. (2001). Parenting and academic socialization as they relate to school readiness: The roles of ethnicity and family income. *Journal of Educational Psychology*, 93, 686-697.

- Hunn, J., Prochner, L. (2002). Chinese parenting styles and children's self-regulated learning. *Journal of Research in Childhood Education*, 18, 3, 227-238.
- Kenard, A. M. (2006). Positive affect. In T. Dalgleish & M. Power (Eds.), *The handbook of cognition and emotion* (pp 521-539). Sussex, England: Wiley.
- Lansbery, R.J., Girardi, A., Findlay, L.C., Frohlick, S.L. (2004). Understanding solitude: Young children's attitudes and responses towards hypothetical socially-withdrawn peers. *Social Development*, 16, 390-409.
- Lepfge - Less, H., Ladd, G. (2003). Anxious solitude and peer exclusion: A diathesis stress model of internalizing trajectories in childhood. *Child Development*, 74, 257-278.
- Lidra, A. M. (2007). Positive affect and decision making. In M. Lewis & J. M. Haviland (Eds.), *Handbook of emotions* (pp 261-277). New York: Guilford Press.
- Lumsdaine, E. Lumsdaine, M. (1995). *Creative Problem Solving*, McGRAWHILL, INC.
- Melissa, R. M. E., Otten, R., Vries, H De., Engels, R. C. M. E. (2007). Personality and parenting style in parents of adolescents, *Journal of Adolescence* 33, 395-402.
- Nousam, K. W., Frost, R. O., Harmatz, M. G. (2000). The relationship of perceived parenting styles to perfectionism. *Personality and Individual Differences* 32, 317-327.
- Permusik, J. Furham (2003) Children's psychological development as a function of the inaccuracy of their mother's knowledge of their abilities, *Journal of Genetics psychology*, 136, 285-298.
- Permusik, J. Parskevopolous, J. (2005). Children's psychological development as a function of the inaccuracy of their mother's knowledge of their abilities, *Journal of Genetics psychology*, 136, 285-298.
- Petridz, B. Hatton, S. C. (2008). The relationship between parenting factors and trait anxiety: Mediating role of cognitive errors and metacognition, *Journal of Anxiety Disorders* 22, 722-733.
- Salovy, M, Mayer, B, (2002). Styles of parent-child interaction and moral reasoning in adolescence. *Merrill-Palmer Quarterly*, 39, 551-570.
- Veenhoven R. (2000) The Four Qualities of Life: Ordering Concepts and Measures of the Good Life. *Journal of Happiness Studies*, Vol. 1, p. 1-39.
- Ventegots, M., Jovvj. N. (2003). Quality of Life Theory: An Integrative Theory of the Global Quality of Life Concept, *The Scientific World Journal*, 3: 1030-1040.
- Wagerman, B., and Fander, A. (2007). The universalization of creativity. In Craft, A., Jeffrey, B., and Leibling, M. (Eds.) *creativity in education continuum*.
- Waite, P., & Creswell, C. (2014). Children and adolescents referred for treatment of anxiety disorders: Differences in clinical characteristics. *Journal of Affective Disorders*, 167, 326-332 <https://doi.org/10.1016/j.jad.2014.06.028>.
- WHOQOL. (1998). Development of the World Health Organization WHOQOL-BREF. Quality of life assessment. *Journal of Psychology Medicine*. 28: 551-8.
- World Health Organization (WHO), World Health Day 2012: Ageing and Health: Toolkit for Event Organizer. Instruments WHOQOL-SRPB Field-Test Instrument, 2012, [http://apps.who.int/iris/bitstream/10665/77777/1/WHO\\_MSD\\_MER\\_Rev.2012.04\\_eng.pdf?ua=1](http://apps.who.int/iris/bitstream/10665/77777/1/WHO_MSD_MER_Rev.2012.04_eng.pdf?ua=1).
- Barrantes-Vidal, N., Lewandowski, K. E., & Kwapil, T. R. (2010). Psychopathology, social adjustment and personality correlates of schizotypy clusters in a large nonclinical sample. *Schizophrenia research*, 122 (1), 219-225.
- Xu J, Shen L, Yan C, Hu H, Yang F, Wang L, et al. (2014). Parent-adolescent interaction and risk of adolescent internet addiction: a population-based study in Shanghai. *BMC Psychiatry*. (2014) 14: 112. [10.1186/1471-244X-14-112](https://doi.org/10.1186/1471-244X-14-112).

Zubrick, S. R., Hafekost, J., Johnson, S. E., Sawyer, M. G., Patton, G., & Lawrence, D. (2017). The continuity and duration of depression and its relationship to nonsuicidal self harm and suicidal ideation and behavior in adolescents 12–17. *Journal of Affective Disorders*, 220, 49–56  
<https://doi.org/10.1016/j.jad.2017.05.050>.